

نگرشی جامعه‌شناختی به منابع ترس از جرم (مورد مطالعه: شهر اردبیل)^۱

طاها عشایری (نویسنده مسئول)^۲

طاهره جهان‌پرور^۳

چکیده

زمینه و هدف: ترس از جرم و قربانی شدن به پنداره‌ی دل‌نگرانی فرد از قربانی شدن به دست ولگردان، معتادان، سارقان، کودک‌رباها، مزاحم‌خیابانی، سودجوها، گروه‌های بزهکار و افراد غیراخلاقی است که ممکن است خود یا یکی از نزدیکان وی را مورد تهدید و قربانی قرار دهند. بر این اساس، پژوهش کنونی بر آن است تا منابع ترس از جرم را در بین شهروندان اردبیلی تبیین کنند. الگوی انتخابی پژوهش برای تبیین موشکافانه‌ی رویداد اجتماعی (رخداد ترس از جرم)، انگاره‌ی بی‌سازمانی اجتماعی است.

روش: ساز و کار اجرای پژوهش، روش کمی است. روش کمی پژوهش، از راه تدوین پرسشنامه و نظرسنجی از شهروندان، در کنار سنجش میزان ترس از جرم، سازه‌های کارآمد بر آن را مورد آزمون قرار داده است. حجم نمونه با نرم‌افزار sample power برابر با ۲۸۷ نفر تعیین و روایی و پایایی پرسشنامه نیز برآورد شده است.

یافته‌ها: آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین متغیرهای بی‌نظمی - آشفستگی (۰,۶۷۹)، بی‌ثباتی سکونت (۰,۴۴۶)، نظارت غیررسمی (۰,۴۸۴-)، آنومی اخلاقی (۰,۱۹۷)، تجربه‌ی رویارویی با جرم (۰,۲۹۸) با ترس از جرم، پیوند معنی‌داری داشته است. ترس از جرم به فراخور جنسیت و تراز تحصیلات فاقد ناهمگونی معنی‌دار و به فراخور گونه‌ی شغل؛ یعنی شاغل (۵۵,۳۴)، بیکار (۶۱,۲۵) و محصل / دانشجو (۵۵,۶۰) ناهمگونی می‌پذیرد. همپوشی برآیندهای الگوی رگرسیون چندگانه، ضریب تعیین تعدیل شده، برابر با (R Square adjusted=۰,۳۶۳) و ضریب تعیین، برابر با (R Square=۰,۳۸۱) است.

واژه‌های کلیدی: بی‌ثباتی سکونت، بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی - آشفستگی، ترس از جرم.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۱۳

۲. عضو هیئت علمی گروه تاریخ و جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه محقق اردبیلی؛ t.ashayeri@uma.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی ارتباطات و رسانه دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، تهران، ایران؛ jparvar@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

ترس از جرم، در تاریخ چهل سال گذشته، همچون پرسمان اجتماعی^۱ در محافل علمی پیدایش یافته و پژوهشگران را به این امر سوق داده است که ریشه‌ی رخداد امر ترس از جرم در جامعه را بررسی نمایند؟ چگونه اجتماع با چنین چالشی روبرو می‌شود؟ ساختار اجتماعی و سازه‌های فرهنگی به چه اندازه می‌تواند در شکل‌دهی به ترس از جرم کارایی داشته باشد؟ و سرانجام ساز و کار پیشگیری از ترس از جرم در اجتماع چیست؟ به این خاطر ترس از جرم را ترس از قربانی جرم شدن بازسانده‌اند (هال،^۲ ۱۹۹۶: ۵) و جرم به عمل و رفتاری اطلاق می‌شود که از سوی قانون و نظام قضایی زیر پیگرد حقوقی و کیفری قرار می‌گیرد. ترس از جرم همانند یک پرسمان اجتماعی (اسپتن و همکاران،^۳ ۲۰۰۲) است که در زمان‌های بحرانی و ناامنی پیدایش یافته و روی کیفیت زندگی شخصی - اجتماعی (دولن و پیسگود،^۴ ۲۰۰۷) کارایی داشته و نگرانی‌های بزرگی را ایجاد می‌کند (کارو و همکاران،^۵ ۲۰۱۰) و مایه‌ی جابجایی سکونتی^۶ نیز می‌گردد (باکس و اندریو،^۷ ۱۹۸۸). ترس از جرم به گونه‌ای گسترده در پژوهش‌های جرم‌شناسی^۸ گفته شده است (وار،^۹ ۲۰۰۰: ۴۵۲) و بر روی نگرانی اجتماعی شهروندان کارآمد بوده (کاشمور^{۱۰}، ۲۰۱۴) و سلامت اجتماعی^{۱۱} و رفاه آنها را تهدید می‌کند (جکسون و گری،^{۱۲} ۲۰۱۰: ۶). استان اردبیل، در زمینه‌ی ناامنی اجتماعی به‌ویژه جرائم و انحرافات اخلاقی، نزاع، سرقت، مشروبات الکلی و تجاوز به عنف با بحران و بی‌سازمانی اجتماعی روبروست؛ به گونه‌ای که در زمینه‌ی چالش‌های جنسی در سال ۱۳۷۵، استان اردبیل دارای ۶۹۳ پرونده بوده و این امر در کمترین اندازه‌ی خود قرار داشته و در حالت فراگیر این جایگاه تا سال ۱۳۹۲ سیر صعودی را پیموده است. آمار جرائم جنسی، در سال ۱۳۷۵ برابر با ۳۹۳، سال ۱۳۷۷ به کمترین حالت خود رسیده و سپس این روند در سال ۱۳۷۹ روند افزایشی داشته است. از سال ۱۳۸۲-۱۳۸۶، آمار جرائم جنسی اعم از منکراتی، اخلاقی، ناموسی به شدت رو به افزایش بوده و بیشترین شمار خود؛ یعنی ۳۹۰۰ مورد

1. Social problem
2. Hall
3. Austin & et al.
4. Dolan & Peasgood
5. Carro D, Valera S, Vidal
6. Residential Displacement
7. Box S, Hale C, Andrews G
8. Criminology
9. Warr
10. Cashmore
11. Social health
12. Jackson & Gray



رسیده است. این رقم دوباره در سال ۱۳۸۸ روند افزایشی خود را آغاز کرده و به بالاترین رقم؛ یعنی ۵۷۹۰ عدد رسیده و در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ تا اندازه‌ای روند کاهشی پیدا کرده است، در حالت فراگیر می‌توان گفت که آمار منکراتی، خیانت‌های زناشویی، اخلاقی و ناموسی از عدد سه رقمی ۶۹۳ در سال ۱۳۷۵ به عدد چهار رقمی خود یعنی ۳۰۷۷ در سال ۱۳۹۲ رسیده که نمایانگر رشد نابهنجار اجتماعی در استان دارد. در محله‌های شهری اردبیل، میزان تهدید و قربانی شدن، در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ افزایش یافته است (عشایری، ۱۳۹۶). بر این اساس، پژوهش کنونی قصد دارد، چرایی رخداد ترس از جرم را در بین شهروندان اردبیل تبیین کند.

هدف اصلی: بررسی منابع ترس از جرم در بین شهروندان شهر اردبیل

۱. مبانی و دیدگاه‌های نظری

ترس از جرم، نشان‌دهنده انبوهی از پاسخ به زیستگاه بوده و دربرگیرنده‌ی سه بعد عاطفی (ترس)، شناختی (خطر ادراک‌شده) و رفتاری (رفتار محدودشده) است (عشایری، ۱۳۹۷). ترس از جرم اشاره به میزان هراس اجتماعی، سرآسیمگی عمومی، دلهره و نگرانی نسبت به قربانی شدن خود، بستگان، فرزندان و خویشاوندان در برابر جرائم اجتماعی دارد. ترس و نگرانی از بزه‌دیدگی یکی از ترس‌هایی است که بسیاری از ساکنان شهرهای بزرگ به گونه‌ای با آن درگیرند و بر کیفیت زندگی، سلوک و رفتار اجتماعی آنها کارایی فراوانی دارد (هوانگ، ۲۰۰۶^۱). ترس پاسخی است که امکان پرهیز افراد از خطر را فراهم می‌آورد. بسیاری افرادی که از بزه‌دیدگی و خطرهای آن می‌ترسند، برای کاهش ترس خود، کنشگری‌هایشان را کاهش داده یا کنشگری‌های دیگری برای پرهیز از خطر انجام می‌دهند (فیشر و لب، ۱۳۹۵: ۵۵۴).

۲. پیشینه تجربی پژوهش

جدول ۱: پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی

ردیف	نویسندگان	نتایج
۱	محمد و همکاران ^۲ (۲۰۰۹)	متأهل‌ها ترس کمتری را در هم‌سنجی با مجردان تجربه می‌کنند. تعهد مذهبی نیز نقش مهمی در کاهش ترس از جرم دارد. با افزایش سطح تحصیلات افراد، ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد؛ اما درآمد فاقد کارایی معنادار بر ترس جرم بوده است. بین محل سکونت و ترس از جرم نیز پیوند معنی‌داری وجود دارد، به این معنی افرادی که در مناطق شهری و کلان‌شهر زندگی می‌کنند، اضطراب و نگرانی بیشتری نسبت به جرائم دارند؛ ولی در زیستگاه روستایی، کمترین ترس از جرم دیده می‌شود.

1. Hwang

2. Mohammed, Saridakis & Sookram



ردیف	نویسندگان	نتایج
۲	ری گرو ^۱ (۲۰۰۶)	بین روشنایی زیستگاه، سرمایه گذاری در جامعه، نزاکت و حفظ نظم زیستگاه، وضع تأهل، تحصیلات، درآمد، سن و جنسیت با ترس از جرم پیوند معنی داری وجود دارد.
۳	گیسون ^۲ و همکاران(۲۰۰۶)	یکپارچگی اجتماعی به کاهش ترس از جرم کمک می کند.
۴	دوران و بارگس(۲۰۱۱)	ترس از جرم، ریشه در ناامنی اجتماعی، بی نظمی مدنی، ناهمگونی ساکنان و منطقه گذار جمعیتی و وقوع پیشامدهای ناگواری از جمله قتل، نزاع، سرقت، کودک ربایی و غیره دارد.
۵	آستین ^۳ (۲۰۱۴)	انتظارات مشترک مایه‌ی کاهش ترس می‌شود، در آن هنگام، افزایش تراز بی نظمی اجتماعی، به ترس بیشتر از جرم در هر یک از این سه شهر می‌انجامد. سازه‌های دیگر، از جمله پنداشت از جرم و جنایت، قرار گرفتن دستخوش قربانی شدن و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، به گونه‌ای پیوسته با ترس از جرم وابسته نیستند. این نشان می‌دهد که کارایی ساختاری فاکتورهای شهر یا افزایش بی نظمی و جرم، ممکن است بر روی پنداشت خطر کارایی داشته و رفتارهای ساکنان را کران‌مند سازد.
۶	ربانی و همتی (۱۳۸۷)	تجربه‌ی مستقیم، توان تبیینی مناسبی نداشته؛ اما تجربه‌ی غیرمستقیم، از راه افزایش تلقی از خطر قربانی شدن بر ترس از جرم کارایی داشته است. منطقه‌ی سکونت نیز پیوند معنی داری با ترس از جرم را نشان داده؛ به گونه‌ای که افرادی که در مناطق کم‌آبش مرفه سکونت دارند، بسته به افراد ساکن در مناطق کمتر مرفه، احساس ترس بیشتری دارند. از سوی دیگر، تلقی از بی نظمی و نگرش افراد نسبت به زیستگاه خود از راه ایجاد نگرش منفی به پلیس و کاهش رضایت از محل زندگی بر ترس از جرم کارآمد است.
۶	احمدی و عربی (۱۳۹۰)	بین متغیرهای سن (۰/۱۵۰)، بعد خانوار (۰/۱۴۲)، طول مدت اقامت در محله (۰/۱۸۲)، رضایتمندی از پلیس (۰/۱۵۲)، تعلق خاطر به محله (۰/۱۳۷)، پیوند همسایگی (۰/۱۵۴)، بی نظمی اجتماعی (۰/۳۱۶) با ترس از جرم، پیوند معنی داری داشته است و تنها انگاره‌ی پیوند قومیت با ترس از جرم رد شد. همچنین برآیندهای برآمده از رگرسیون چند متغیره، نشان دهنده این راستی‌نگی بود که متغیرهای بی نظمی اجتماعی (۰/۸۹)، تجربه‌ی قربانی شدن (۰/۴۶)، پیوندهای همسایگی (۰/۴۶)، جنس (۰/۱۹)، تأهل (۰/۱۵) و رضایتمندی از پلیس (۰/۰۸)، روی هم رفته ۰/۲۲۳ درصد از تغییرات متغیر ترس از جرم را تبیین کرده‌اند.
۷	احمدی و همکاران (۱۳۹۱)	ترس از جرم زنان با متغیرهای پیوند محله‌ای، رضایت از پلیس، سن و گونه‌ی مسکن و در مردان با متغیر تعلق خاطر به محله، مدت اقامت در محله و ناهمگونی قومیتی، پیوند معنی داری به دست آمده است.
۸	عبداله پور (۱۳۹۱)	سن، جنس، تحصیلات از بین متغیرهای زمینه‌ای و نگرش مثبت به پلیس و بی نظمی در محله و تجربه قربانی شدن فردی و تجربه قربانی شدن اعضای خانواده، در تبیین میزان ترس از جرم در بین شهروندان نقش تبیین کننده داشته است.

1. RAE GROHE
2. Gibson
3. Stein

ردیف	نویسندگان	نتایج
۹	احمدی و عربی (۱۳۹۲)	پیوند مستقیم و مثبتی بین میزان تماشای شبکه‌های تلویزیون داخلی (۰,۱۰۵)، تماشای شبکه‌های تلویزیون خارجی (۰,۱۱۱) و میزان بررسی مطبوعات (۰,۲۱۳) با ترس از جرم وجود دارد. همچنین آشکار شد که بین میزان بهره‌گیری از اینترنت و گوش دادن به برنامه‌های رادیویی، با ترس از جرم از لحاظ آماری، پیوند معناداری وجود ندارد.
۱۰	مطیع الله (۱۳۹۳)	متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی (بعد عینی و ذهنی)، ناهمگونی قومی، چگونگی زندگی و تجربه قبلی جرم (آسیب‌دیدگی) بر ترس از جرم شهروندان کارا هستند.
۱۱	سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)	پیوند بین کیفیت محله (۰/۳۴-)، بی‌نزاکتی (۰/۱۷)، طول اقامت در محله (۰/۵۲-)، چگونگی تأهل (۰/۲۹)، نظارت اجتماعی (۰/۳۸-)، تکرار رخداد جرم (۰/۴۷)، بی‌تفاوتی اجتماعی (۰/۴۶)، اعتماد اجتماعی (۰/۳۳-)، حضور پلیس (۰/۵۶-) و داغ ننگ (۰/۴۱) با ترس از جرم معنادار و متغیرهای سن، تحصیلات و رسانه با ترس از جرم معنادار نبوده است.
۱۲	پنج‌تنی (۱۳۹۳)	بین متغیرهای بی‌نظمی اجتماعی تصویری، بی‌نظمی فیزیکی تصویری با متغیر وابسته (ترس از جرم) پیوند مستقیم و معناداری وجود دارد و بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق محله‌ای و مهار اجتماعی غیررسمی با متغیر وابسته، پیوند وارونه و معناداری برقرار است.
۱۳	عبدالملکی (۱۳۹۵)	بین خطر ادراک‌شده، نگرانی اجتماع، قومیت (فارس بودن)، اعتماد اجتماعی، پیوند محله‌ای، احساس بی‌نظمی فیزیکی در محله و کنشگری (خانه‌دار بودن)، با ترس پیوند معناداری برقرار است.

چارچوب نظری: دیدگاه بی‌سازمانی اجتماعی

اصطلاح بی‌سازمان، نبود سازمان را بیان می‌کند (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۱۳). دیدگاه بی‌سازمانی اجتماعی بر شرایطی که مایه‌ی ازهم‌گسیختگی و شکسته‌شدن ارزش‌ها و نظام‌های اجتماعی جامعه می‌شود، تأکید دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۴۲). بی‌سازمانی اجتماعی بر اثر به هم خوردن یا از بین رفتن پیوستگی سازمان اجتماعی رخ می‌دهد. انگاره‌ی بی‌سازمانی اجتماعی پیوند بین ساختار جامعه (سطح اجتماعی و اقتصادی) و میزان جرم و جنایت در شهرها را از راه متغیر واسطه‌ی پیوند اجتماعی تبیین می‌کند. از نگرگاه این انگاره، ترس از جرم، برون‌داد درهم‌ریختگی سازمان اجتماعی و فرهنگی است. اشکال گوناگون ناهنجاری، برآیند دگرگونی و گسیختگی قوانین نظام بخش و سازمان‌دهنده‌ای است که پیش‌تر وجود داشته‌اند (محمدی اصل، ۱۳۹۱: ۱۲۳). کاهش کارایی نهادهای اجتماعی، سستی تقیدهای خویشاوندی، نیروهای غیررسمی مهار اجتماعی (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۳)، تعارض قواعد اجتماعی، فقدان هنجارهای گوناگون رفتاری در سطح جامعه (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۲۴)، تضاد فرهنگی، بی‌هنجاری، ضعف قوانین و ناهماهنگی نهادها و مناسبات اجتماعی را انگیزه‌ی بنیادین ترس از جرم تلقی می‌کند (کاوه، ۱۳۹۱). دورکیم تأکید دارد که دگرگونی‌های شتابان اجتماعی، مایه‌ی ایجاد جایگاهی می‌شود تا مرزهای هنجاری از بین رفته و آنومی فردی و اجتماعی پدیدار شوند. این کار، با بروز خشونت و ترس از جرم در پیوند است. به باور وی، گونه و شدت جرم، بستگی به سطح توسعه‌ی جامعه دارد. وی جامعه‌ی گذاری را مطرح کرد که با نرخ بالایی از جرائم روبروست، زیرا

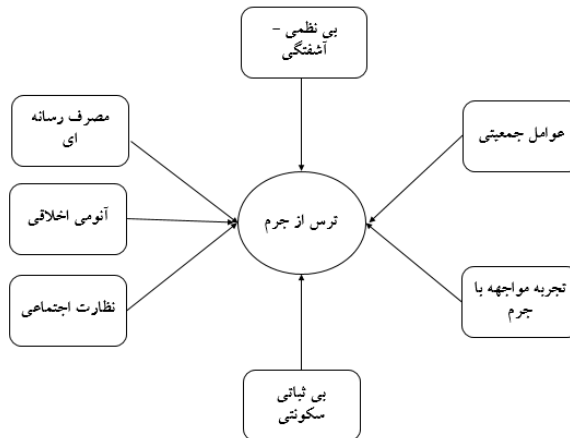
ساکنان، از تعهد اخلاقی- اجتماعی کافی برخوردار نیستند و تخطی از هنجار اجتماعی و نقض وفاداری، مایه‌ی فروپاشی عصیبت اجتماعی است (کافی، ۱۳۹۵: ۳۳۳). با رخداد دگرگونی‌های صنعتی و مهاجرت‌های بیرونی در بین طبقات متوسط و کارگر از مرکز شهر به پیرامون شهری، به دلیل کاهش نظارت‌های غیررسمی و بی‌تعادلی، جرم و خشونت علیه اجتماع، افزایش می‌یابد (ویلسون^۱، ۲۰۰۳). در دوران گذار، انزوای اجتماعی و گسستن از هویت‌های ثابت سنتی به مدرن، مایه‌ی افزایش جرم شده است و انگیزه‌ی این کار در فقدان سازوکارهای مهار در رفتار و کردار آنهاست. در مناطق فقیر که با کمبود خدمات اجتماعی رویارو هستند، آنها با یأس، نامیدی، رنجش، نارضایتی و انتقام‌گیری روبرو هستند (ویلسون، ۱۹۸۷). کروبین و ویتزر^۲ (۲۰۰۳)، تأکید دارند که به دلایل فقدان حمایت پلیس در مناطق فقیر، زمینه‌ی رخداد جرائم خشن نیز بالا می‌رود؛ زیرا آنها با نگرستن به فرهنگ آن زیستگاه، برای حل و فصل ناسازگاری‌های خود، از فرهنگ عرفی بهره می‌گیرند و در پیمایش این کار، قتل و خشونت نیز افزایش می‌یابد. رویکرد ساختاری دورکیم، برای واکاوی جایگاه اجتماعی و پرسمان‌های اجتماعی در جوامع، از دیدگاه‌های بنیادین جامعه‌شناسی است. جامعه‌شناسان به این تأکید دارند که ساختار اجتماعی بر روی ناامنی اجتماعی کارایی دارد. یکی از انگاره‌های رایج درباره‌ی جرم و ناهنجاری انگاره‌ی بی‌سازمانی اجتماعی است که به کارآمدی ناهمگونی نژادی و اخلاقی بر جرم تأکید می‌کند. بر اساس این انگاره، همسایه‌هایی که پیوند اجتماعی کمتری با هم دارند، جرم بیشتری را انجام می‌دهند و علت آن کاهش مهار اجتماعی است. این انگاره در قالب الگوی سه‌گانه گوناگونی خورده فرهنگی؛ نگرانی اجتماعی و الگوی بی‌نظمی اجتماعی (سبزه‌ای و مرادی، ۱۳۹۴) به پرسمان ترس از جرم می‌پردازد. از این نگرگاه، نابسامانی برآیند دگرگونی اجتماعی است که به کاهش نظارت اجتماعی می‌انجامد. در صورت نابسامانی اقتصادی حاد و مزمن، نابسامانی خانوادگی رخ می‌دهد. آنها همه نمودهای نبود توازن میان امکانات و نیازها هستند، جایگاه‌های عدم تعادل که امکانات آن برای پاسخگویی به نیازها کافی نیست. نابسامانی حاد اقتصادی به هنگام رونق یا رکود اقتصادی رخ می‌دهد. در هر دو جایگاه هنجارهای کهنه‌ای که ابزارها را به آرمان‌ها وابسته می‌سازد، غیرقابل اطلاق و افراد از قید اجتماعی آزاد می‌شوند، در این شرایط، عدم تعادل و ناخرسندی ایجاد شده و به افزایش خشونت منجر می‌شود. نابسامانی مزمن اقتصادی برونداد کاهش درازمدت نظارت اجتماعی بر پیوند میان ابزارها و آرمان‌هاست. گروه‌های مذهبی و شغلی، به سستی گراییده و به‌جای اینکه صنعت ابزار شمرده شود، به آرمان تبدیل شده است. میزان بزه در حرفه‌های تجاری و صنعتی بیش از کشاورزی است، زیرا دومی هنوز سنت‌ها و رسمی دارد که چارچوب ایجاد می‌کند. میزان

1. Wilson
2. Kubrin & Weitzer



خشونت در اقصای بالاتر اجتماعی - اقتصادی نسبت به قشر فقیرتر زیادتر است. تعهدات اخلاقی نیز فزونی یافته و زمینه نابسامانی و بی‌بندوباری کاهش می‌یابد. با فروپاشی هنجاری‌های اخلاقی، خشونت و ناامنی نیز افزایش می‌یابد، زیرا حمایت‌کننده پیشگیرانه در جامعه وجود ندارد. دورکیم، فقدان هنجارها را به‌منزله جایگاهی از بی‌ثباتی، بر اثر غیاب ارزش‌های اجتماعی مورد توافق، یعنی مقاصد اجتماعی بررسی کرده است (تامپسون، ۱۳۹۳: ۱۸۵).

الگوی نظری پژوهش



شکل شماره ۱: مدل نظری تحقیق

فرضیه پژوهش

- به نظر می‌رسد بین تجربه‌ی رویارویی با جرم، با ترس از جرم پیوند معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین مصرف رسانه‌ای با ترس از جرم، پیوند معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین آنومی اخلاقی با ترس از جرم، پیوند معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بی‌ثباتی سکونتی با ترس از جرم، پیوند معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نظارت غیررسمی با ترس از جرم، پیوند معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بی‌نظمی - آشفتگی با ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ترس از جرم برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی، ناهمگون است.

روش پژوهش

نرم‌افزار حجم نمونه را بر اساس پیش‌فرض‌های پژوهش، ۲۸۷ گزارش نموده است. محقق به دنبال بررسی جایگاه‌هایی است که شمار کمتر یا بیشتر از شمار گزارش شده به دست نرم‌افزار را نیز در برگیرد. بر این مبنا، سطح آلفا، ۰/۰۱، ۰/۰۳ و ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است. به راستی دو سطح



سخت‌گیرانه‌تر ۰/۰۱ و ۰/۰۳ را نیز مورد بررسی قرار گرفته است. حجم نمونه نیز از ۲۰۰ تا ۳۶۰ با فاصله ۲۰ تا در نظر گرفته شده است. سرانجام با نگرش به اهمیت پرسمان و گرایش به موشکافی بیشتر در برآیندها و در نظر گرفتن توان مالی، زمان و نیروی انسانی مورد نیاز حجم نمونه را انتخاب کرده و بر پایه‌ی این حجم نمونه، سناریوی پایانی تعیین شده است، پژوهشگر با تعداد نمونه ۲۸۷ در سطح آلفای ۰/۰۱ به توان ۸۰ درصد می‌رسد که جایگاهی سراسر قابل دفاع در مجامع علمی است. شیوه نمونه‌گیری از گونه‌ی سهمیه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی است. در پژوهش فعلی نخست، مناطق معین و سپس بر پایه‌ی شیوه نمونه‌گیری طبقه‌بندی هماهنگ، نسبت جنسیتی در هر منطقه نمایان و بعد بر پایه‌ی شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده، افراد نمونه برگزیده شدند.

جدول شماره ۲: شاخص عملیاتی پژوهش

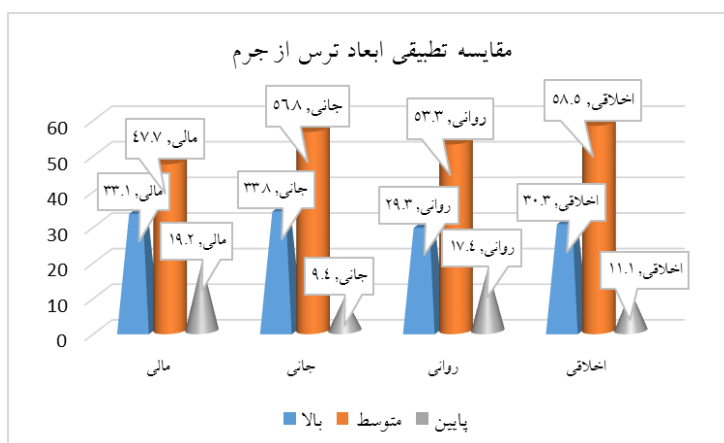
تجربه‌ی رویارویی با جرم (آلفای کرونباخ: ۰,۸۰۱)
سرقت خیابانی (کیف‌دستی، پول و ...)، سرقت منزل، سرقت خودرو، سرقت وسایل خودرو، زورگیری و اخاذی، تعقیب و مزاحمت تلفنی، تهدید به دست افراد مست و ولگرد، تهدید به دست معتادان، ضرب و شتم فیزیکی
مصرف رسانه‌ای (آلفای کرونباخ: ۰,۷۵۳)
منابع کسب خبر: رادیو، تلویزیون، صفحه حوادث روزنامه‌ها، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی (تلگرام، اینستاگرام و ...)، شبکه‌های ماهواره‌ای
آنومی اخلاقی (آلفای کرونباخ: ۰,۶۹۲)
فقدان امانت‌داری، تقلب و کلاه‌برداری، عدم گذشت و فداکاری، تملق و چاپلوسی، رواج دروغ‌گویی، وجود خودخواهی و حسادت، رباخواری، نبود انصاف، دورویی و تظاهر، عدم رعایت حقوق همسایگی، اهمیت ندادن به منافع دیگران
نظارت اجتماعی (آلفای کرونباخ: ۰,۸۰۲)
۱. ساکنان محله، حساسیت زیادی نسبت به رفتارهای اعضای محله از خود نشان می‌دهند. ۲. ساکنان محله ما، به حفظ پاکیزگی و زیبایی محله اهمیت می‌دهند. ۳. ساکنان محله ما، برای تأمین آرامش ساکنان محله، نهایت تلاش خود را می‌کنند. ۴. فضای محله ما به گونه‌ای است که اهل محل، مراقب رفتارهای یکدیگرند. ۵. وقتی کار خلافی از کسی سر بزند، مردم محله ما، به آن واکنش نشان می‌دهند. ۶. زمانی که کار خلافی در محل رخ دهد، مردم بی‌درنگ به پلیس اطلاع می‌دهند.
بی‌نظمی - آشتفگی (آلفای کرونباخ: ۰,۷۲۵)
۱. بی‌نظمی اجتماعی (استفاده یا خریدوفروش مواد مخدر در محله، وجود افراد مزاحم و علاف در خیابان، وجود چالش‌های غیراخلاقی در محله و خیابان، مشاهده افراد کارتن‌خواب در اطراف پارک و مخروبه‌ها، مشاهده دعوا (نزاع) و جروب‌بحث افراد، تجمع معتادان و افراد ولنگار در محله و پارک، مشاهده گدا، افراد دست‌فروش و دوره‌گردها در محل، پرسه زنی افراد ولگرد در محله و معابر عمومی؛ رفت‌وآمد افراد غریبه و مشکوک، عربده‌کشی یا چاقوکشی افراد شرور؛ وجود افراد بی‌سرپناه و پرسه زدن). ۲. بی‌نظمی فیزیکی (وجود زمین‌ها و خانه‌های رهاشده، وجود ریخت‌وپاش در محله، سرازیر شدن فاضلاب خانه‌ها به خیابان‌ها، وجود اموال عمومی تخریب‌شده، خانه‌های نیمه‌ساخته و مخروبه، دیوارنوشته‌ها (درب‌گیرنده‌ی تبلیغات، الفاظ نامناسب و غیراخلاقی و ...)، تاریکی پیاده‌روها، معابر محله و کوچه‌ها، رها کردن زباله (دستمال‌کاغذی، وسایل دورریز) در خیابان و محله)

۳. یافته‌های پژوهش

الف. توصیفی

برآیند برآمده از یافته‌های توصیفی با حجم نمونه ۲۸۷ نفر نشان می‌دهد که ۵۴/۷ درصد آقا و ۴۵/۳ درصد خانم، ۳۳/۱ درصد مجرد، ۵۸/۲ درصد متأهل، ۵/۹ درصد مطلقه و ۲/۸ درصد همسر فوت‌شده، ۳۰/۴۳ درصد دارای مشاغل کارگری هستند. بررسی جایگاه درآمدی پاسخگویان نمایان‌گر این است که ۴۴/۹ درصد افراد یعنی بیشتر آنها درآمد بین دو میلیون تا سه میلیون دارند.

هم‌سنجی سطوح سه‌گانه ترس از جرم



نمودار شماره ۱: مقایسه سطوح سه‌گانه ترس از جرم

توزیع پراکندگی کلی متغیرهای پژوهش

جدول شماره ۳: توزیع پراکندگی شاخص اصلی پژوهش مستقل و وابسته

متغیر	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم	دامنه تغییرات	طبقات					
						بالا	متوسط	پایین			
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			
ترس از جرم	۵۷,۷۲	۱۲,۶۲	۸۸	۲۹	۵۹	۵۵	۱۹,۲	۱۸۸	۶۵,۵	۴۴	۱۵,۳
بی‌نظمی - آشفتگی	۴۵,۹۲	۱۱,۲۵	۶۶	۱۹	۴۷	۴۷	۱۶,۴	۱۱۸	۴۱,۱	۱۲۲	۴۲,۵
تجربه مواجهه با جرم	۵۰,۴۸	۹,۴۱	۷۵	۲۱	۵۴	۳۰	۱۰,۵	۱۷۹	۶۲,۹	۷۸	۲۷,۲
مصرف رسانه‌ای	۹,۴۰	۳,۸۲	۲۰	۵	۱۵	۱۵۳	۵۳,۳	۱۰۴	۳۶,۲	۳۰	۱۰,۵
آنومی اخلاقی	۲۰,۶۷	۹,۳۸	۴۸	۱۲	۳۶	۱۸۱	۶۳,۱	۸۸	۳۰,۷	۱۸	۶,۳
نظارت غیر رسمی	۱۳,۳۱	۶,۸۷	۵۶	۱۰	۴۶	۱۷۶	۶۱,۳	۹۰	۳۱,۳	۲۱	۷,۴



آزمون آنالیز واریانس یک طرفه میزان ترس از جرم به تفکیک نوع شغل

جدول شماره ۶: آزمون آنالیز واریانس یک طرفه ترس از جرم به تفکیک شغل

آزمون آنالیز واریانس یک طرفه			میانگین	نوع شغل
سطح معنی‌داری	کمیت F	درجه آزادی		
۰,۰۰۱	۷,۳۷۶	۲۸۴	۵۵,۳۴	شاغل
			۶۱,۲۵	بیکار
			۵۵,۶۰	محصل / دانشجو

آزمون آنالیز واریانس یک طرفه پاسخگویان درباره‌ی میزان ترس از جرم، به فراخور گونه‌ی شغل در جدول شماره ۱۲۳ نمایش داده شده است.

برآیند به دست آمده از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه ترس از جرم، به تفکیک گونه‌ی شغل پاسخگویان نشان می‌دهد که میانگین میزان ترس از جرم، به تفکیک گونه‌ی شغل، ناهمگونی معناداری در بین پاسخگویان داشته است، بیشترین میانگین میزان ترس از جرم به ترتیب در بین افراد، بیکار (۶۱/۲۵)، محصل / دانشجویان (۵۵/۶۰) و شاغل (۵۵/۳۴) گزارش شده است.

برآیندها نشان می‌دهد که افراد بیکار میانگین ترس از جرم بیشتری را نسبت به دیگر گروه‌های مورد بررسی دارند. انگیزه‌ی امر این است که سرمایه اقتصادی و شرایط مالی، می‌تواند کاهنده یا افزایش دهنده چالش ترس از جرم در بین این گروه باشد.

افراد بیکار دارای عزت نفس کمتری نسبت به افراد شاغل هستند. همچنین افراد بیکار، در هم‌سنجی با افراد شاغل، باور بسیار کمتری به خود خواهند داشت، خود را کمتر شایسته دانسته و در ارزشمندی خود احساس تردید داشته و بیشتر احساس دلهره، افسردگی و ناشادی می‌کنند. بیکاران حس داشتن آرمان مثبت و خوشایند را در اجتماع و در بین نظام خانواده از دست می‌دهند.

از دست دادن شغل به حالت‌های گوناگونی از جمله کسالت، از دست دادن علاقه به چشم‌اندازهای دور، کناره‌گیری از کنشگری‌های بیرونی (تماس‌های اجتماعی، قرض گرفتن کتاب، خواندن روزنامه)، ناتوانی از به یاد آوردن رخدادهای منجر می‌شود. بر این اساس بیشتر افراد بیکار، دارای رفتار و انگیزه از گونه‌ی تسلیم شده نسبت به آینده و سرنوشت خود بوده و به راحتی خود را در برابر ناامنی و تهدید، قربانی می‌بینند و نیز قربانی می‌شوند.

ب. تحلیلی

همبستگی بین متغیرهای مستقل با ترس از جرم (متغیر وابسته)

جدول شماره ۷: آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل با ترس از جرم (متغیر وابسته)

وابسته					برآورد متغیر	متغیرهای مستقل
ترس از جرم						
کل	اخلاقی	روانی	جانی	مالی		
۰,۱۹۷	۰,۲۷۴	۰,۲۵۲	۰,۱۸۸	۰,۰۹۵	ضریب همبستگی	آنومی اخلاقی
۰,۰۰۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	۰,۱۰۷	معنی داری	
-۰,۴۸۴	-۰,۲۲۵	۰,۳۵۴	۰,۴۴۰	۰,۳۴۸	ضریب همبستگی	نظارت غیررسمی
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معنی داری	
۰,۰۰۴	۰,۰۷۴	۰,۰۶۷	۰,۱۲۴	۰,۱۰۹	ضریب همبستگی	مصرف رسانه‌ای
۰,۹۴۴	۰,۲۰۹	۰,۱۰۵	۰,۲۱۶	۰,۵۶۱	معنی داری	
۰,۴۴۶	۰,۱۰۴	۰,۲۷۹	۰,۴۶۶	۰,۳۰۸	ضریب همبستگی	بی‌ثباتی سکونتی
۰,۰۰۰	۰,۰۷۸	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معنی داری	
۰,۲۳۵	۰,۰۴۹	۰,۱۷۷	۰,۲۴۷	۰,۲۰۰	ضریب همبستگی	تجربه‌ی مستقیم
۰,۰۰۰	۰,۴۰۶	۰,۰۰۳	۰,۰۰۰	۰,۰۰۱	معنی داری	
۰,۲۶۴	۰,۱۶۷	۰,۱۶۷	۰,۲۲۰	۰,۲۰۷	ضریب همبستگی	تجربه مواجهه با جرم غیرمستقیم
۰,۰۰۰	۰,۰۰۴	۰,۰۰۵	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معنی داری	
۰,۴۲۸	۰,۸۱	۰,۲۰۷	۰,۲۸۱	۰,۲۴۶	ضریب همبستگی	کل
۰,۰۰۰	۰,۱۷۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معنی داری	
۰,۵۸۳	۰,۴۷۷	۰,۵۹۴	۰,۳۸۵	۰,۳۳۳	ضریب همبستگی	بی‌نظمی اجتماعی
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معنی داری	
۰,۶۴۵	۰,۳۸۸	۰,۵۳۹	۰,۵۰۶	۰,۴۰۳	ضریب همبستگی	بی‌نظمی - آشفته‌گی فیزیکی
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معنی داری	
۰,۶۷۹	۰,۴۸۸	۰,۶۳۹	۰,۴۹۰	۰,۴۰۶	ضریب همبستگی	کل
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	معنی داری	

برآیندها نشان می‌دهد که:

آنومی اخلاقی

برآیندهای برآمده از آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین دو متغیر آنومی اخلاقی و ترس از جرم،



پیوند معنی‌داری وجود دارد و اندازه‌ی ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری، کمتر از ۵٪ برابر ۰/۱۹۷ است. آنومی اخلاقی که نشان از به هم خوردگی ترازمندی اخلاقی یا کاهش سطح اخلاق اجتماعی ساکنان یک اجتماع است، پتانسیل آشفستگی و اقدام به بی‌نظمی و ناامنی را بیشتر می‌کند. از بین سامان یا نظم اخلاقی اجتماع، منجر به گسترش کنش‌های فردگرایانه، بزهکارانه و ضداجتماعی می‌شود که زیستگاه را دچار ناامنی می‌کند. زیستگاه‌هایی که در آن رویه اخلاقی بالاست، بسته به زیستگاه‌های دارای اخلاق اجتماعی پایین، مردم با اطمینان و اعتماد بیشتری در پیوندهای اجتماعی ظاهر می‌شوند. اخلاق حفاظ اجتماعی، در برابر اقدام به خشونت و هرگونه کج‌روی اجتماعی تلقی می‌شود. به تعبیری گونه‌ی نظارت‌گر درونی افراد است که آنها را از اقدام به سرپیچی و یا نقض حریم اجتماعی دیگران منع می‌کند. اخلاق‌مداری و پایبندی به بنیان‌های اخلاقی، اجتماع را به پیوندهای خودجوش سوق می‌دهد و آنها را در برابر رفتارهایی که به ساکنان آسیب وارد می‌کند، یکدست، متحد و یکپارچه می‌نماید. کاهش بنیان‌های اخلاقی از جمله صداقت، وفای به عهد، خوش‌اخلاقی، راست‌گویی، رازداری، امانت‌داری، شکیبایی، بسترهای شکل‌گیری اعتماد اجتماعی را در بین اجتماع ساکنان از بین می‌برد، رواج سوءظن، بی‌اعتمادی و مسئولیت‌گریزی، افراد را در برابر محله و محیط زیستی خود، یکسان‌انگار نموده و بر این اساس، گونه‌ای از فاصله اجتماعی رواج پیدا می‌کند و این امر انگیزه‌ای می‌شود که هم به راحتی قربانی افرادی بشوند که فاقد بنیان اخلاقی‌اند. اخلاق‌مداری اجتماعی، چارچوب‌های هنجاری رفتاری ویژه‌ای را برای کنشگران تعیین می‌کند و فرد اخلاقی خود را ناگزیر به رعایت این هنجار و قواعد اجتماعی می‌داند. برابر دیدگاه دورکیمی، نظم اجتماعی ایجاد می‌کند که هماهنگ با خواست اخلاقی اجتماع، ارزش‌های غایی بسته به خواست و انگیزه‌های فردگرایانه، برتری داشته باشد. این ارزش‌ها نه امری مادی؛ بلکه امر معنوی هستند که بر خواست جسمانی و مادی چیرگی داشته و افراد را مهار می‌کند. حیات اخلاقی اجتماعی با ترس از جرم، پیوند تنگاتنگی دارد و آنها را ناچار به رعایت حقوق شهروندی می‌کند.

نظارت غیررسمی

یافته‌های برآمده از بررسی ضریب همبستگی دو متغیره بین نظارت غیررسمی و ترس از جرم، نمایان‌گر وجود پیوند معنی‌داری در سطح ۰/۰۰۰ بوده و اندازه‌ی ضریب همبستگی دو متغیر برابر با ۰/۴۸۴- است. بروز ترس از جرم در اجتماع، برونداد از بین رفتن نظارت غیررسمی است. نظارت غیررسمی یکی از سازوکارهای پیشگیری از جرم تلقی می‌شود. این نظارت به دو گونه‌ی بیرونی (اجتماعی) و درونی (خودکنترلی)، ساکنان را در برابر هم مهار و پیوندهای اجتماعی را هماهنگ می‌کند. کارکرد مهم نظارت غیررسمی در اجتماع، آسودگی از انجام گرفتن کارهای حیاتی برای مجموعه و پیشگیری از اختلال‌ها و آشفستگی‌هایی است که مایه‌ی ناامنی و به هم خوردن امنیت آن اجتماع می‌شود. این دو وظیفه مهم، از راه سازوکارهای واری غیررسمی صورت می‌گیرد که در این



حالت، نظم و امنیت جامعه، بر اساس تشویق رفتارهای شایسته و تنبیه رفتارهای ناشایست و ناپسند، سازمان‌دهی می‌گردد. هنگامی که پیوند اجتماعی بین افراد یک اجتماع، پایین باشد، به دلیل عدم شکل‌گیری شبکه اجتماعی قوی و اثربخش، احساس تعلق خاطر جمعی از بین می‌رود و چنین احساسی، مایه‌ی یکسان‌انگاری نسبت به زیستگاه و افزایش ترس از جرم آنها می‌شود. پیوندهای همسایگی، گونه‌ای از نظارت اجتماعی خودگردان ایجاد می‌کند که بسترهای امنیت را تقویت می‌نماید. نظارت غیررسمی که نشأت گرفته از سرمایه‌ی اجتماعی همسایگی است، عبارت از شمار همسایگان نزدیکی که فرد با آنها در تماس هستند، این امر طول مدت سکونت افراد، انسجام اجتماعی، مشارکت در کنشگری همسایگی، مایه‌ی شکل‌گیری نظارت بهنجار و پویا می‌گردد. در اصل هنگامی که اعتماد بین ساکنان بالا باشد، میزان نظارت غیررسمی نیز افزایش می‌یابد. نظارت غیررسمی برآمده از کنشگری جمعی اجتماع محلی، همسایه‌ها، انجمن و نهادهای محلی است که با پیوند خود، گونه‌ای نظارت خودجوش درونی بر پایه‌ی اخلاق، هنجار و حیا در اجتماع تولید می‌کنند، این نظارت برآمده از نظارت جمعی جامعه است. نظارت غیررسمی با ایجاد پیوندهای شبکه‌های خودجوش بین اعضای اجتماع، مدت عضویت ساکنان را افزایش و آنها را در برابر جرائم و ناامنی زیستی توانمند می‌سازد و آرمان آنها را در راستای حفظ زیستگاه و برخورد با اخلا لگران مهیا و یکپارچه می‌سازد.

بی‌ثباتی سکوتی

یافته‌های آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین متغیر بی‌ثباتی سکوتی و ترس از جرم پیوند معنی‌داری وجود دارد. اندازه‌ی ضریب همبستگی دو متغیر در سطح معنی‌داری $0/000$ برابر با $0/446$ است. بی‌ثباتی سکوتی به دلایل مهاجرت بیشمار و جابجایی، میزان ترس از جرم را در بین ساکنان افزایش می‌دهد. در این حالت شکل صمیمیت اجتماعی دچار دگرگونی شده و خوی بهنجار اجتماع محلی از بین می‌رود و ساکنان نمی‌توانند درباره‌ی چالش‌های عمومی و مشترک، به‌آسانی به توافق و اجماع عمومی دست یابند. پیوندها تا مدت‌ها در گستره‌ی شخصی باقی مانده و امکان شکل‌گیری پیوند دوسویه میان افراد، ساکنان با همدیگر و نهادهای محلی، دیرهنگام رخ می‌دهد. شناخت پایین از همدیگر و کاهش تعامل اجتماعی چهره به چهره، افراد را در برابر جرائم قربانی کرده و ترس از جرم آنها را افزایش می‌دهد. کم شدن مراودت‌های اجتماعی میان همسایگان و اتحادیه‌های محلی و فروپاشی هویت محله‌ای بین ساکنان، ساکنان را آسیب‌پذیرتر می‌نماید. مهاجرت و عدم پایستگی بین اعضای اجتماع و دگرگونی‌های پی‌درپی و یا ناپیوسته‌ی جمعیت، گنجایش شکل‌گیری همسایگی و نظارت‌های خودجوش و پیوند بین ساکنان و نهادهای اجتماعی و محلی را نیز از بین می‌برد. بی‌ثباتی، در کنار تضعیف نمودن شبکه‌های دوستی محلی، زمینه‌ی انحراف و ناهنجاری را نیز افزایش می‌دهد.

تحرك پذیری اجتماع، گونه‌ای تعهد به هنجارهای عرفی را کاهش داده و به نرخ بالای جرائم و بزهکاری می‌انجامد؛ زیرا در این حالت، به همدیگر به چشم مسافرانی می‌نگرند که به زیستگاه و



ساکنان آن دل‌بستگی ندارند و این امر بسترهای مهار اجتماعی را از بین می‌برد. هرچه قدمت پایستگی سکونتی بیشتر باشد، به دلیل شکل‌گیری پیوند عاطفی و تجربه شخصی، امنیت نیز افزایش می‌یابد و افراد به همدیگر اعتماد می‌کنند. اقامت طولانی و مالکیت خانه‌ی مسکونی، شناخت همسایه را از یکدیگر بیشتر می‌کند، در این حالت افزون بر افزایش شمار دوستان در فضای عمومی، مشارکت آنها را در راستای بهبود امنیت خاطر جمع‌ی تقویت می‌کند؛ اما با تحرک و بی‌ثباتی اجتماع، به خاطر اختلال و نوسان در شبکه‌های پیوند محور، زمان تماس پیوسته را کاهش داده و گمانه‌ی ترس از جرم را نیز افزایش می‌دهد. ثبات سکونت، به گسترش گروه‌های دوستی، انجمنی و خویشاوندی و پیوندهای نهادی می‌انجامد که این امر ریشه در سابقه سکونتی و ماندگاری فرد در اجتماع و محله دارد. انگیزه‌ی کارآمدی مستقیم و مثبت بی‌ثباتی سکونتی و ترس از جرم در این است که وقتی ثبات سکونتی طول و دوام بیشتری داشته باشید، شکل‌گیری شبکه‌ای قوی و مترامم از اطلاعات و دانش هنجاری و اخلاقی در بین ساکنان شکل می‌گیرد، آنها از این شبکه دانش به‌راحتی و سهولت برای ترابرد اطلاعات درباره‌ی ناامنی، جرم، جایگاه محله و شیوه‌ی برخورد با آن به دست می‌آورند. این امر نیز زمینه‌ی نظارت رسمی و مهار غیررسمی را به گونه‌ای سامانمند افزایش می‌دهد.

وقتی در اجتماع، بی‌ثباتی سکونتی رخ می‌دهد، افراد جدید و مهاجرانی با الگوی فرهنگی و سبک زندگی نو و گاهی ناهمسان با دیگر اعضای اجتماع، وارد فضای اجتماعی می‌شود، این گونه‌ای از فردگرایی را در بین آنها گسترش می‌دهد و نوعی تماس اجتماعی بین آنها پایین می‌آید، دیگر ساکنان نسبت به یکدیگر احساس تعهد و مسئولیت نمی‌کنند، برآیند اینکه یکسان‌انگاری از این امر آشکار می‌گردد. فقدان پایستگی سکونتی، به جای افزایش پشتوانه عاطفی و گنجینه از سرمایه مدنی، افراد را به انزوا و طرد از شبکه‌های گروهی می‌برد و همین امر در کنار ایجاد دلهره، افراد را در زیستگاه زندگی خود آسیب‌پذیر کرده و به‌راحتی آنها را قربانی جرائم و خشونت می‌کند. در این حالت همسایه‌های شکل‌گرفته، از گونه‌ی همسایگی مجازی یا سیال تلقی می‌شوند؛ زیرا رخدادها و رویدادهای درون محله و خانوادگی آن چنان برای همسایگان امری مهم و اندوه‌بار به حساب نمی‌آید. در محله‌هایی که شمار زیاد جمعیت وجود دارد و یا میزان مهاجرت‌های درون محله‌ای و منطقه در حال افزایش است، چون شمار بسیار زیادی از جمعیت در بازه‌ی بسیار کمی از یکدیگر زندگی می‌کنند، اما بیشتر آنها به‌درستی همدیگر را نمی‌شناسند و تماس آنها زودگذر و ناپیوسته است و گونه‌ای زیست‌بوم شناسانه مشترک بیش‌از‌شکل نگرفته است. این امر، میزان مهار اجتماعی را پایین آورده و بر ترس آنها می‌افزاید.

تجربه‌ی رویارویی با جرم

برآیندهای برآمده از آزمون پیرسون نشان می‌دهد که در سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم ضریب همبستگی بین متغیر تجربه‌ی رویارویی با جرم و ترس از جرم برابر با $0/428$ است. تجربه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم از قربانی شدن در جامعه، سطح نگرانی فردی را زیاد می‌کند. تجربه‌ی رویارویی با جرم،

به شکل مستقیم یا غیر بر ترس از جرم افراد کارساز است. قربانیان راستین جرائم از افراد غیر قربانی بیشتر می‌ترسند، مناطقی که نرخ جرم و قربانی شدن بالایی دارند، همیشه ساکنانی با ترس از جرم بیشتری خواهند داشت. به راستی، رویدادهای جنایی، امواجی شوک ساطع می‌کند که در سراسر جامعه از راه شبکه‌های اجتماعی انتشار می‌یابد، افرادی که درباره‌ی جرم چیزهایی می‌شنوند، قربانی غیرمستقیم هستند که سطح ترس از جرم آنها افزایش می‌یابد. پژوهش‌های گزارش جرائم محلی و رویدادهای وابسته با آن از قربانیان، به گونه‌ای متقارن ترس از جرم را افزایش می‌دهد. تجربه‌ی جرم در ساکنان و اعضای خانواده، مایه‌ی برداشت منفی نسبت به زیستگاه شده و در صورت عدم وجود جرم در زیستگاه‌های دیگر نیز، رخداد پیشین جرم، زمینه‌ی ترس بعدی را فراهم می‌آورد. رویارویی با جرم، افراد سست بنیه و ناتوان را بیشتر فراروی ترس قرار می‌دهد و تراپرد تجارب از راه شبکه اجتماعی محلی به هم نوعان، نیز القاکننده‌ی ترس از جرم و خطر قربانی شدن دوباره را در افراد افزایش می‌دهد. پیوند ساکنان با افراد بزه دیده و دارای سابقه‌ی رویارویی با جرم، میزان ترس از جرم را افزایش می‌دهد. به این معنی که آگاهی‌یابی از پیشامدهای جرم و پیوند با قربانیان جرائم و همچنین مشابهت جنسی، سنی، جایگاه فرد با قربانی و قرار گرفتن در جایگاه مشابه قربانیان جرم، در افزایش ترس از جرم کارآمد است.

بی‌نظمی - آشفستگی

برآیند آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین دو متغیر بی‌نظمی - آشفستگی اجتماعی و ترس از جرم پیوند معنی‌داری وجود دارد و این اندازه در سطح معنی‌داری کمتر از ۵ صدم برابر با ۰/۰۶۷۹ است. بی‌نظمی - آشفستگی اجتماعی، بستر ورود افراد ولگرد، غریبه‌ها، معتاد و حاشیه‌شده را به مرکز شهر و محله‌های امن و ناامن جذب می‌کند. آشفستگی برآمده از خریدوفروش مواد مخدر و توزیع آن، رواج افراد کارتن‌خواب در پارک و فضای عمومی و دست‌فروش‌ها در این‌گونه مکان، زمینه‌ی بی‌نظمی و آشفستگی را فراهم می‌کند. بی‌نظمی به‌مرور، بستری را برای قربانی شدن به دست همین گروه‌ها فراهم می‌آورد. ساختمان‌های نیمه‌کاره، وجود آشغال، زباله و دیوارنوشته‌ها، مایه‌ی تشدید بی‌نظمی اجتماعی و آشفستگی می‌شود. وجود مکان‌های نیمه‌کاره، تجمع پسماندهای زیستی، وجود و حضور گداها، معتادان و جوانان بیکار و معابر نامناسب، زمینه‌ی تولید ترس از جرم هستند و بسترهای قربانی شدن افراد را افزایش می‌دهند. زوال فیزیکی اجتماع، شایعه‌ی بی‌نظمی و عبور و مرور آزادانه مخالان اجتماع، پیوندهای اجتماعی را از بین برده و محله را به زیستگاهی از یکسان‌انگاری بدل می‌سازد. بی‌توجهی به نظم محله، ریختن زباله، تجمع فروشندگان در معابر محله و خیابان، سطح ناامنی را افزایش می‌دهد. نبود نور کافی و اختلال فیزیکی، القاکننده‌ی هراس و ترس است.

کیفیت محله و سکونتگاه‌های شهری با رواج مشروبات الکلی، مصرف مواد مخدر، نزاع و درگیری و یا زیستی (مانند کثیفی، نقاشی‌های دیواری، قمار و خانه‌های مخروبه و رهاشده)، کاهش یافته و آشفستگی را تجربه می‌کند. در این حالت، ساکنان، آرامش و آسودگی خاطر خود را از دست می‌دهند.

هنگامی که ساکنان می‌بینند که اجتماع با این وضع و آشفتگی رویاروست، نگرانی به در خانواده‌ها و ساکنان رواج یافته و دامن‌گیر آنها می‌شود. در کنار کاهش نظارت‌های غیررسمی و از بین حس کارایی جمعی، آنها از قربانی این‌گونه افراد شدن، می‌ترسند و بسترهای ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد. بی‌نظمی اجتماعی همانند کیفیت پایین فیزیکی محله، تمرکز دست‌فروش و افراد بیکار، خانه‌های مخروبه، کارگر، شلوغی محله و پایین بودن کیفیت منازل و سطح پایین نظافت عمومی، بسترهای ترس از جرم را افزایش می‌دهد.

ضرایب مسیر پژوهش

جدول شماره ۸: ضرایب مسیر معنادار در مدل اصلی پژوهش

متغیرهای پژوهش	اثر مستقیم	مقدار تی	سطح معنی‌داری
آنومی اخلاقی - < ترس از جرم	-۰,۰۰۹	۰,۱۸۱	۰,۸۵۷
بی‌ثباتی سکونتی - < ترس از جرم	۰,۱۱۲	۳,۴۳۱	۰,۰۰۱
بی‌نظمی - آشفتگی - < ترس از جرم	۰,۴۸۱	۹,۸۱۹	۰,۰۰۰
تجربه مواجهه با جرم - < ترس از جرم	۰,۱۲۵	۴,۱۹۷	۰,۰۰۰
نظارت غیررسمی - < ترس از جرم	-۰,۱۳۶	۹,۳۲۸	۰,۰۰۰
اثر کل پژوهش	R Square adjusted = ۰,۳۶۳ R Square = ۰,۳۸۱		

۴. بحث و نتیجه‌گیری

ترس از جرم از نگاه الگوی کارایی جمعی، در به هم ریختن تعادل اجتماعی برآمده از فرسایش نظارت غیررسمی، شبکه‌های محلی و حس همسایگی است. افزایش آمارهای رسمی جرم از جمله قتل، کودک‌ربایی، درگیری خیابانی، توزیع و خرید و فروش مواد، دسترسی آسان به مواد مخدر، مصرف مشروبات الکلی در مناطق بی‌دفاع شهری، سرقت و تهدید و اخاذی، نشان می‌دهد که اجتماع سکونتی، گونه‌ای از زوال در باب نظارت و بازدارندگی را تجربه می‌کند. اجتماعی که به‌راحتی به غریبه‌ها و افراد سودجو، فرصت اقدام به رفتارهای دلخواه را می‌دهد، در خود پنجایش چندانی برای احیای هویت محله‌ای و تعلق اجتماعی به محله را احساس نمی‌کند و گونه‌ای بی‌توجهی جمعی نسبت به نظم و امنیت محیط حاکم است. محله‌هایی که با بی‌توجهی اجتماعی روبرو هستند، با گذشت زمان آلودگی زیستی و کیفیت پایین نظم را تجربه کرده و محله کیفیت اجتماعی خود را از دست می‌دهد. مخروبه‌ها، منازل نیمه‌کاره و زیستگاه‌های دور از دید طبیعی مردم، جای خود را به افرادی می‌دهند که در پی فرصت برای بهره‌برداری به نفع خود هستند. به‌مرور محله و اجتماع مسکونی، مایه‌ی فراخوانی گروه‌ها و افرادی می‌شود که زوال اقدام جمعی را درک و تجربه کرده‌اند و جایگاه ارتکاب به جرم را مهیا می‌بینند. شهر اردبیل که از چهار منطقه تشکیل شده، هرکدام از این مناطق،



محلله‌هایی با ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گوناگونی هستند که جرائمی ویژه را مرتکب می‌شوند. شواهد نمایان‌گر توزیع جرائم از جمله درگیری، سرقت، قتل، کودک ربایی، خرید و فروش مواد مخدر، مزاحمت ناموسی و اخلاقی در هر یک از مناطق چهارگانه شهری است.

- بی‌ثباتی سکونتی یکی از متغیرهای مهم در انگاره‌ی الگوی کارایی جمعی است که نقش مهمی در تبیین ترس از جرم دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بی‌ثباتی سکونتی با ترس از جرم پیوند معنی‌داری (۰/۴۴۶)، دارند. در الگوی ساختاری، بی‌ثباتی سکونتی توانسته ۱۴۱/۰٪ از ترس از جرم را تبیین نماید. هرچه بی‌ثباتی سکونتی بیشتر، ترس از جرم هم بیشتر خواهد شد. بی‌ثباتی سکونتی، میزان اعتماد و تعلق اجتماعی فرد به زیستگاه را از بین می‌برد و خطر رویارویی با جرائم را نیز افزایش می‌دهد.

- بی‌نظمی - آشفستگی اجتماعی با ترس از جرم پیوند معنی‌داری دارد و اندازه‌ی این پیوند برابر با ۶۷۹/۰٪ است. هرچه بی‌نظمی - آشفستگی بیشتر، میزان ترس از جرم شهروندان نیز افزایش می‌یابد. متغیر بی‌نظمی - آشفستگی اجتماعی در الگوی ساختاری، ۴۹۴/۰٪ از دگرگونی‌های ترس از جرم را پیش‌بینی و تبیین می‌نماید.

- نمای فیزیکی ساختمان‌ها و خیابان‌های محله و کنشگری‌های اجتماعی آشکار به درک عمومی محله کمک می‌کند. ویژگی مانند وجود زباله یا سروصدا در خیابان و جوانان پرهیاهو، هماره نشانه‌هایی از وخامت فیزیکی و اجتماعی محله است. این علائم مشهود درباره‌ی وخامت رخدادها، به بی‌نظمی یا بی‌نزاکتی محله اشاره می‌کند. بی‌نزاکتی در محله به گونه‌ای غیرمستقیم، بزه‌دیدگی را که خود بر نگرش ساکنان و غریبه‌ها نسبت به محله کارآمد است، تحت تأثیر قرار می‌دهد. این پرسمان چه از دیدگاه اجتماعی و چه از دیدگاه فیزیکی، هماره معادل فروپاشی استانداردهای جامعه به‌صورت رفتاری قابل‌پذیرش است.

- در این سان، محله مهارنشدنی به نظر می‌رسد و همچنان که ساکنان حس اثربخشی و سودمندی را از دست می‌دهند، بی‌نزاکتی محله می‌تواند به سستی انسجام بینجامد. چنانچه ساکنان پیوند مستقیم میان رویدادهای ناگوار فیزیکی و اجتماعی و افزایش بزه‌دیدگی پیدا کنند، دور چنداشته می‌شود که با این اقدامات جمعی، احساس قدرت نمایند. در محلات بدون سازمان‌دهی که زیر کارآمدی خشونت و وحشیگری فیزیکی و اجتماعی هستند، ساکنان آن با جوانان گستاخ، نوشته یا پوسترهایی که به دیوار چسبانده می‌شود، کالا‌های ترک شده، ساختمان‌های مخروبه، سطل‌های زباله، افراد غریبه، افراد مست، ولگردها، افرادی که پرسه می‌زنند، فاحشه‌ها، مزاحمان، ازدحام، افراد خشمگین، چرک و کثافت و بوی تعفن روبرو می‌شوند. پارک‌ها و زمین‌های بازی که در آن جوانان مسکن می‌گزینند و افراد در آنجا پرسه می‌زنند، به این ترس کمک می‌کنند.

- متغیر تجربه رویارویی با جرم در الگوی ساختاری توانسته ۱۶۲/۰٪ از ترس از جرم را تبیین و



پیش‌بینی نماید. برآیند ضریب همبستگی همچنین برآمده از این است که هم‌تغییری، تجربه‌ی رویارویی با جرم و ترس از جرم برابر با $0/428$ است. بر این اساس، تجربه‌ی رویارویی با جرم به گونه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم، مایه‌ی افزایش ترس از جرم قربانیان می‌گردد. ترس ریشه در تجربه دارد. ساکنانی که کمابیش قربانی جرائم شده‌اند، از آینده بیشتر از کسانی می‌ترسند که از جرائم فرار کرده‌اند. مردم زمانی دچار ترس می‌شوند که نزدیک فردی باشند که در محل آنها، مواد مخدر بفروشند، آنها ممکن است از اینکه کودکان به این فرد نزدیک و درگیر مواد مخدر شوند، بترسند. حضور چنین گروه‌هایی به ویژه زمانی که همراه با نرخ بالای جرائم باشد، ساکنان را به این باور می‌رساند که محله‌ی آنها خطرناک بوده و قربانی جرائم شدن به نظر اجتناب‌ناپذیر می‌شود. ترس از جرم در اثر گفتگو نیز می‌تواند ایجاد شود. افراد زمانی که قربانی می‌شوند با دیگران صحبت می‌کنند، تجربه‌ی رویارویی با جرم در میزان ترس از جرم دیگران نیز کارا بوده و مایه‌ی دگرگونی در سبک زندگی و استراتژی افراد در اجتماع می‌گردد. افرادی که در محلاتی زندگی می‌کنند و ترازهای بالای جرائم و نابهنجاری‌های مدنی در آن دیده می‌شود، بسیار بی‌اعتماد و بدبین هستند.

- بازرسی غیررسمی و ترس از جرم پیوندی واژگون دارند. این متغیر توانسته $0/443$ - از دگرگونی‌های ترس از جرم را در الگوی ساختاری تبیین نماید و همچنین سطح هم‌تغییر دو متغیر برابر با $0/484$ - است. نظارت غیررسمی یکی از ساز و کارهای مهم در کاهش ترس از جرم است. نظارت غیررسمی، از پیوند میان خویشاوندان، نظام همسایگی، ارکان محله و زیستگاه، سرای محله و سمن‌هایی شکل می‌گیرد که بازدارندگی را در اجتماع پویا نموده و با سازه‌های ناامن‌ساز مبارزه می‌نمایند. در اجتماعی که بازرسی غیررسمی آمادگی دارد، ساکنان، نسبت به زیستگاه یکسان‌انگار نبوده و مسئولیت جمعی را نیرو می‌بخشند. بر این اساس با نیرو بخشیدن به بازرسی غیررسمی بین ساکنان، می‌توان میزان ترس از جرم شهروندان را کاست.



منابع

۱. احمدی، حبیب (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات سمت.
۲. احمدی، حبیب و عربی، علی (۱۳۹۲). بررسی رابطه‌ی مصرف رسانه‌ای و ترس از جرم (مورد مطالعه کرج). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، دور ۳، شماره ۷، ص ۳۴-۲۵.
۳. احمدی، حبیب و عربی، علی (۱۳۹۲). رابطه‌ی بین ساختار محله و ترس از جرم، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، دوره ۵، شماره ۱، ص ۶۰-۳۷.
۴. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹). *بررسی مسائل اجتماعی*، تهران: جهاد.
۵. پنج‌تی، مهدی (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم: آزمون تجربی نظریه‌های اثربخشی جمعی و پنجره‌های شکسته، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه مازندران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۶. تامپسون، کنت (۱۳۹۳). *امیل دورکیم*، ترجمه‌ی: شهناز مسمی‌پرست، تهران: نی.
۷. ربانی خوراسگانی، رسول و همتی، رضا (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم. *مطالعه‌ی موردی: شهروندان شهر زنجان، مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲۴، دوره ۱، ص ۸۹-۱۲۳.
۸. ساروخانی، باقر (۱۳۹۲). *درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
۹. سبزه‌ای، محمدتقی و مرادی، گلمراد (۱۳۹۴). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر ایجاد فاصله‌ی اجتماعی و ترس از جرم و نابهنجاری بین دو قوم کرد و لک در شهر کرمانشاه، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال ۵، شماره ۱۴، ص ۱۸۴-۱۶۱.
۱۰. سهراب‌زاده، مهران؛ عشایری، طاها و حسونند، اسماعیل (۱۳۹۳). تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم مناطق تبریز، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۴۰، دوره ۱۱، ص ۵۶-۳۴.
۱۱. سیدزاده‌ثانی، مهدی (۱۳۹۲). ترس از جرم در مشهد، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، شماره ۴، دوره ۲، ص ۲۳-۱۱.
۱۲. عبدالله‌پور، مریم (۱۳۹۱). بررسی میزان ترس از جرم در فضای شهری و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (شهروندان ساری)، *رساله کارشناسی ارشد*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مازندران.
۱۳. عبدالملکی، احمد (۱۳۹۵). تبیین پدیده‌ی ترس از جرم در شهر تهران، *رساله دکتری تخصصی*، دانشکده علم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران.
۱۴. فیشر، بونی. اس و پی. لب، استیون (۱۳۹۵). *دانشنامه بزه دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم*، ترجمه: اساتید حقوق کیفری و جرم‌شناسی، زیر نظر نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
۱۵. کافی، مجید (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی تاریخی*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. کاوه، محمد (۱۳۹۱). *آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی*، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
۱۷. محمدی اصل، عباس (۱۳۹۱). *بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی*، تهران: علم.
۱۸. مختاران، رضوان (۱۳۹۳). در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ترس از قربانی شدن، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، رشته مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء.



19. Austin, D. M. Furr, L. & Spine, M (2002). *The effects of neighborhood conditions on perceptions of safety*. Journal of Criminal Justice, 30, 417-427.
20. Bursik, R. J. Jr. & Grasmick, H. J (1993). *Neighborhoods and crime: The dimensions of effective community control*. San Fransisco: Lexington.
21. Carro, D. · S. Valera · T. Vidal (2010). *Perceived insecurity and fear of crime in a city with low crime rates Quality & Quantity*. Feb2010, Vol. 44, Issue 2, p. 303-314. 12p. 2 Diagrams, 7 Charts.
22. Cashmore, Jordan (2014). *THE 'FEAR OF CRIME-MEDIA FEEDBACK' CYCLE*, Internet Journal of Criminology, 2014 ISSN 2045 6743 (Online).
23. Dolan, Paul Peasgood, Tessa (2007). *Estimating the Economic and Social Costs of the Fear of Crime*, the British Journal of Criminology, Volume 47, Issue 1, 1 January 2007, Pages 121-132, <https://doi.org/10.1093/bjc/azl015>.
24. Doran, B. J. Burgess, M. B (2011). *Putting fear of crime on the map: Investigating perceptions of crime using geographic information systems*. Canberra, Australia: Springer Science & Business Media.
25. Gibson, Chris L. Jihong Zhao, Nicholas P. Lovrich & Michael J. Gaffney (2006). *Social integration, individual perceptions of collective efficacy, and fear of crime in three cities*, Justice Quarterly Volume 19, 2002 - Issue 3, <http://dx.doi.org/10.1080/07418820200095341>
26. Hale, C (1996). *Fear of Crime: A Review of the Literature*, International Review of Victimology, 4, 79-150.
27. Hwang, G. E (2006). *Multi-level test of fear of crime: The effect of social conditions, perceived community policing activities and perceived risks of victimization in a megapolis*. A dissertation for the degree of doctor of philosophy, Mishigan State University.
28. Jackson, J. and Gray, E (2010). *Functional fear and public insecurities about crime*'. British Journal of Criminology 50(1): 1-22.
29. Kubrin, C. E. & Weitzer, R (2003). *Retaliatory homicide: Concentrated disadvantage and neighborhood culture*. Social Problems, 50, 157-180.
30. Mohammed, Anne-Marie, Saridakis, George, Sookram, Sandra (2009). *Do Victims of Crime Fear Crime More? Empirical Evidence from the Survey of Living Conditions (2005) of Trinidad and Tobago*, Social and economic studies 60 (2).
31. Rader, Nicole (2017). *Fear of Crime*, criminology and criminal justice. war.unu.
32. RAE GROHE, BONNIE (2006). *PERCEPTIONS OF CRIME, FEAR OF CRIME, AND DEFENSIBLE SPACE IN FORT WORTH NEIGHBORHOOD*, Presented to the Faculty of the Graduate School of The University of Texas at Arlington in of the Requirements Partial, Fulfillment for the Degree of DOCTOR OF PHILOSOPHY THE UNIVERSITY OF TEXAS AT ARLINGTON.

33. Stein, Rachel E (2014). *Neighborhood Residents' Fear of Crime: A Tale of Three Cities*. Sociological Focus 47(2): 121-139.
34. Warr, M (2000). *Fear of crime in the United States: Avenues for research and policy*, in Duffee, D. (ed). Criminal Justice 2000, Volume 4: Measurement and analysis of crime and justice. Washington D.C.: National Institute of Justice.
35. Wilson, W. J (1987). *The Truly Disadvantaged: The Inner City, the Underclass and Public Policy*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
36. Wilson, W. J (2003). *Race, Class and Urban Poverty: A Rejoinder*. Ethnic and Racial Studies, 26: 1096-1114.